

قدیمی‌ترین زندانی سیاسی آمریکا را بهتر بشناسید +فیلم و عکس

ابوجمال حدود 35 سال است که به خاطر دفاع از حقوق سیاه‌پوستان در زندان‌های آمریکاست؛ وی بخش عمده این مدت را در یک اتاقک شیشه‌ای کوچک در حبس انفرادی به سر برده است.

خلاصه گزارش: «مومیا ابوجمال» فعال برجسته حقوق سیاه‌پوستان در آمریکا و عضو سابق «حزب پلنگ‌های سیاه» است که از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی آمریکا محسوب می‌شود. وی سال 1982 در یک پرونده ساختگی، به اعدام و سال 2011 طی بررسی مجدد پرونده‌اش به حبس ابد محکوم شد، بدون آن‌که بدیهی‌ترین اسناد بی‌گناهی وی حتی در عالی‌ترین رده‌های نظام قضایی آمریکا مورد توجه قرار بگیرد. ابوجمال حدود 35 سال است که در زندان به سر می‌برد و مقامات زندان تلاش می‌کنند تا او را به روش‌های مختلف از پا در بیاورند. وی که به خاطر گزارش‌های صریح و فعالیت‌های حقوق بشری‌اش به «صدای بی‌صداها» مشهور شده، خشم مقامات دولتی و پلیس نژادپرست آمریکا را برانگیخته و اکنون تاوان عدالت‌خواهی خود را پس می‌دهد.



مومیا ابوجمال سال‌ها در یک اتاقک شیشه‌ای کوچک زندانی بود

«وسلی کوک» که بعدها نام خود را به «مومیا ابوجمال» تغییر داد، فعال مدنی سیاه‌پوست، عضو سابق حزب «پلنگ‌های سیاه»، مدافع حقوق سیاه‌پوستان، و یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی در آمریکا است. وی سال 1982 به اتهام قتل یک افسر پلیس به نام «دانیل فاکنر» در یک پرونده ساختگی به اعدام محکوم و بعدها حکم اعدامش به حبس ابد تبدیل شد. سرنوشت ابوجمال شباهت‌های زیادی با پرونده ساختگی دولت آمریکا برای «جمیل الامین» یکی از رهبران بزرگ و سیاه‌پوست مسلمانان آمریکا دارد که مشرق پیش‌تر گزارش مفصلی درباره او منتشر کرده است (گزارش مشرق را [از این جا بخوانید](#)).

{Ssephr_media_1523299_400_300}

صحبت‌های ابوجمال درباره این‌که تفاوتی میان

حزب‌های دموکرات و جمهوری‌خواه در آمریکا نیست - [دانلود](#)

«مومیا ابوجمال» 24 آوریل 1954 در فیلادلفیا متولد شد. نام اصلی او «وسلی کوک» بود، اما وقتی 14 سال داشت، معلم کنیایی او که برای همه دانش‌آموزانش اسم‌های اصیل آفریقایی انتخاب می‌کرد، برای ابوجمال، نام «مومیا» را انتخاب نمود. ابوجمال در یکی از برنامه‌های رادیویی در آمریکا درباره معنای اسمش می‌گوید: «مومیا یعنی شاهزاده. همچنین نام عده‌ای از مبارزان ضداستعماری کنیایی بوده که علیه انگلیس می‌جنگیدند^[1]». این فعال سیاه‌پوست درباره

نام خانوادگی خود یعنی «ابوجمال» هم می‌گوید: «این [قسمت از نامم] را خودم انتخاب کردم. نام اولین فرزندم، جمال است. ابوجمال هم یعنی پدر جمال.»

فعالیت‌های سیاسی و عضویت ابوجمال در حزب پلنگ‌های سیاه

ابوجمال در فیلادلفیا زندگی می‌کرد و از نزدیک شاهد خشونت پلیس علیه ساکنین سیاه‌پوست این ایالت بود. می‌دید که چگونه خانه‌های سیاه‌پوستان به آتش کشیده می‌شود و اعتراضات آن‌ها با گلوله پاسخ داده می‌شود. خود ابوجمال هم چندین بار مورد حمله سفیدپوستان نژادپرست و خشونت نیروهای پلیس قرار گرفته بود^[2]. این تبعیض و نژادپرستی بر ابوجمال تأثیر زیادی گذاشت و او را وادار کرد تا علیه دولت دست به مبارزه بزند.

ابوجمال در اولین کتاب خود «[پخش] زنده از صف اعدام» (زمانی که در زندان و منتظر اجرای حکم اعدامش بود) ماجرای ورودش به «حزب پلنگ‌های سیاه^[3]» (توضیحات بیش‌تر در ادامه گزارش) را با عبارت «به زور لگد [یک افسر پلیس]، وارد حزب پلنگ‌های سیاه شدم» توصیف می‌کند تا نشان دهد نژادپرستی چه اندازه روی دوشش سنگینی می‌کرده است.

ابوجمال پیش از آن‌که نهادهای «جامعه آمریکایی-آفریقایی» و «انجمن خبرنگاران سیاه‌پوست» را بنیان‌گذاری کند، فعالیت‌های سیاسی خود را از سن بسیار پایینی آغاز کرده بود، به گونه‌ای که وقتی تنها 15 سال داشت (سال 1969) به «حزب پلنگ‌های سیاه^[4]» پیوست. این سازمان که ابتدائاً «حزب دفاع شخصی پلنگ‌های سیاه» نام داشت، یک سازمان سیاه‌پوست ناسیونالیست و سوسیالیست بود که از سال 1966 تا 1982 در آمریکا فعالیت می‌کرد. ابوجمال تا اکتبر سال 1970 عضو پلنگ‌های سیاه بود و بعد از آن به خبرنگاری روی آورد.



ابوجمال فعالیت‌های سیاسی را از سن بسیاری پایینی آغاز کرد

فعالیت عمده پلنگ‌های سیاه در ابتدا شامل گشت‌زنی عده‌ای از شهروندان مسلح در کالیفرنیا می‌شد با این هدف که بر فعالیت نیروهای پلیس نظارت و از هرگونه خشونت آن‌ها علیه مردم جلوگیری شود. با این حال، سال 1969، این سازمان ماهیت خود را به طرز عمده‌ای تغییر داد و به سوی اجرای برنامه‌های اجتماعی سوق پیدا کرد، از جمله پیاده‌سازی برنامه‌های «صبحانه رایگان برای کودکان»، مدیریت کلینیک‌های سلامت عمومی و فعالیت‌های دیگری از این دست.

به عنوان مثال، برنامه صبحانه رایگان برای کودکان از آنجایی پدید آمد که کودکان سیاه‌پوست در مدارس آمریکا نمی‌توانستند در کنار کودکان سفیدپوست صبحانه بخورند. همین عامل موجب می‌شد تا عمل‌کرد درسی کودکان سیاه‌پوست در مقابل کودکان سفیدپوست ضعیف‌تر باشد. تأسیس برنامه صبحانه رایگان برای کودکان با هدف ایجاد برابری میان این دو گروه از کودکان بود.

با همه این‌ها، «ادگار هوور» مدیر وقت اف‌بی‌آی^[5]، حزب پلنگ‌های سیاه را «بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت داخلی کشور» توصیف کرده و برنامه‌ای وسیع موسوم به «کواینتل‌پرو^[6]» (کوتاه‌شده عبارت «برنامه ضداطلاعاتی») را ترتیب داده بود تا با افرادی مانند پلنگ‌های سیاه مبارزه کند. این برنامه که شامل عملیات‌های مخفیانه و گاه غیرقانونی می‌شد^[7]، علاوه بر پلنگ‌های سیاه، مخالفان جنگ ویتنام، فعالان جنبش‌های حقوقی مدنی، حامیان حقوق سیاه‌پوستان، و اعضای جنبش‌های ضداستعماری را هدف قرار می‌داد.

کواینتل پرو [8] که ابعاد غیرقانونی و سرکوبگرانه آن کاملاً افشا شده است، به دستور هوور باید فعالیت اهداف خود را «افشا، مختلف، منحرف، بی اعتبار، خنثی یا به روش های دیگر، نابود» می کرد [9]. این یعنی جاسوسی، نفوذ، شهادت دروغ، خشونت پلیس، و انواع ابزارهای دیگر در اختیار افبی آی بود تا به کمک آن ها رهبران حزب پلنگ های سیاه تضعیف، اعضای آن را متهم، و کل سازمان را بی اعتبار کند. کواینتل پرو عملاً از ترور [10] هم علیه پلنگ های سیاه استفاده می کرد [11]. اما یکی از قوی ترین ابزارهای افبی آی در قالب این برنامه، «پرونده سازی جعلی [12]» برای پلنگ های سیاه بود که در ادامه گزارش درباره آن بیشتر توضیح خواهیم داد.



ابوجمال یکی از اهداف مهم در برنامه «کواینتل پرو» ی افبی آی بود؛

وی تا پیش از زندان، وضع کاملاً مناسبی از نظر جسمی داشت

پرونده جعلی برای خاموش کردن «صدای بی صداها»

همان‌طور که گفتیم، ابوجمال بعد از آن‌که از پلنگ‌های سیاه جدا شد، خبرنگاری را برای ادامه فعالیت‌هایش انتخاب کرد. وی در این حوزه آن‌قدر موفق بود که نه تنها رئیس انجمن خبرنگاران سیاه‌پوست فیلادلفیا شد، بلکه خیلی زود مردم فیلادلفیا به او لقب «صدای بی‌صداها» را دادند. گزارش‌های صریح ابوجمال از برخورد خشونت‌آمیز پلیس با سیاه‌پوستان، و سایر فعالیت‌های او علیه نژادپرستی در آمریکا بالأخره آشکارا خشم شهردار نژادپرست فیلادلفیا و اداره پلیس این شهر را برانگیخت. صدای بی‌صداها در «شهر نژادپرستی و خشونت و فساد پلیس [13]» باید به هر قیمتی خاموش می‌شد. مومیا ابوجمال تحت فشارهای پلیس، از شغل خبرنگاری خود در یک شبکه رادیویی اخراج شد و برای گذران زندگی، یک تاکسی خرید.

9 دسامبر 1981، حدود ساعت 03:55 صبح، یک افسر اداره پلیس فیلادلفیا به نام «دانیل فاکنر»، خودرویی را در منطقه موسوم به «سنتر سیتی» متوقف می‌کند. راننده خودرو، «ویلیام کوک» است، برادر کوچک‌تر مومیا ابوجمال. اندکی بعد، یک درگیری مسلحانه میان این دو صورت می‌گیرد. ابوجمال که درون تاکسی خود در همان اطراف نشسته، متوجه این اتفاق می‌شود و به محل درگیری می‌رود. بلافاصله افسران پلیس بیش‌تری وارد صحنه درگیری می‌شوند.

این افسران پلیس گزارش می‌دهند که پیش از رسیدن آن‌ها، فاکنر با دو گلوله‌ای که به سر و کمرش اصابت کرده، کشته شده بوده است. طبق همین گزارش‌ها، «مومیا ابوجمال» در حالی در محل جرم پیدا شده که یک گلوله از تفنگ فاکنر به قفسه سینه‌اش اصابت کرده است. پلیس می‌گوید اسلحه ابوجمال را هم چند متر آن‌طرف‌تر روی زمین پیدا کرده است. همین اسناد به علاوه شهادت افرادی که به زور تهدید پلیس مجبور به حضور در دادگاه شده بودند، منجر به صدور حکم اعدام برای مومیا ابوجمال شد [14]. اما واقعیت [15] چه بود؟

نیروهای فاسد پلیس فیلادلفیا به کمک برخی خلافکاران دیگر [16]، قصد داشتند فاکنر را که ظاهراً فساد پلیس فیلادلفیا را به افشایی‌آی گزارش می‌داده، از بین ببرند؛ درست مانند «فرانک سرپیکو» که ده سال قبل به همین شکل کشته شده بود یا افسران دیگری که قبل و بعد از فاکنر به همین سرنوشت دچار شده بودند. قرار بود در این درگیری، فاکنر کشته شود و قاتل او را هم افسران پلیس بکشند. به این ترتیب، پرونده خیلی زود بسته می‌شد و هیچ مشکلی هم برای کسی پیش نمی‌آمد. با این حال، یک اشتباه در هدف‌گیری، موجب شد تا ضارب، کشته نشود، بلکه صرفاً گلوله‌ای به شانه‌اش برخورد کند و او بتواند فرار کند.



«اعدام از راه بی‌توجهی پزشکی، ممنوع؛ مومیا ابوجمال را آزاد کنید»

وقتی مومیا ابوجمال بر اساس کنجکاوی خبرنگاری‌اش تلاش کرد تا بفهمد دلیل درگیری و تیراندازی چیست، افسران پلیس خیلی سریع نقشه جدیدی را پیاده کردند. به جای ضارب اصلی، ابوجمال مورد اصابت گلوله قرار گرفت. البته این نقشه هم نصفه و نیمه اجرا شد، چون ابوجمال به‌رغم ضرب و جرح بیش‌تر در صحنه حادثه و حتی در بیمارستان، کشته نشد. بنابراین لازم بود که بعداً به اعدام محکوم شود. وقتی این حکم اعدام بدون توجه به اسناد زیادی که بی‌گناهی ابوجمال را اثبات می‌کرد^[17]، صادر شد، این پرونده آن‌قدری مضحک بود که حتی عفو بین‌الملل هم آن را «نقض استانداردهای حداقلی بین‌المللی درباره روند قضایی عادلانه و استفاده از حکم اعدام» توصیف کند.

طی یکی از شواهد بی‌شماری^[18] که نشان می‌دهد دادگاه ابوجمال از ابتدا با هدف محکوم کردن او به اعدام تشکیل شده بود، «سینتیا وایت» (یکی از روسپی‌هایی که ظاهراً با پلیس ارتباط مستقیم داشته است^[19]) دو بار در دو جلسه مستقل دادگاه به عنوان شاهد، مقابل یک قاضی به نام «جوزف مک‌گیل» حاضر شد و دو شهادت متفاوت داد. وایت در دادگاه اول، شهادت داد که در صحنه جرم، چهار نفر را دیده است، اما تنها چند هفته بعد، در دادگاهی که برای بررسی اتهام مومیا ابوجمال تشکیل شد، مقابل همان قاضی، شهادت داد که سه نفر را دیده است.

در ادامه هم دستگاه فاسد قضایی و پلیس فیلادلفیا مانع از انتشار و بررسی اسنادی شدند که بی‌گناهی ابوجمال را تصدیق می‌کرد^[20]. این واقعیت که گلوله‌های شلیک‌شده به فاکنر، اصلاً نمی‌توانسته از اسلحه ابوجمال شلیک شده باشد (به خاطر تفاوت در کالیبر) نادیده گرفته شد. پلیس حتی ثابت نکرد که اصلاً گلوله‌ای از اسلحه ابوجمال شلیک

شده یا نه. بسیاری از شاهدانی که در دادگاه علیه ابوجمال شهادت داده بودند، بعدها اعلام کردند که زیر فشار و تهدید به چنین کاری تن داده‌اند.

یک نکته دیگر این‌که قاضی دادگاه اول ابوجمال، «آلبرت سابو^[21]» بود، کسی به «قاضی جلد» شهرت داشت. سابو طی 15 سال از مسئولیت خود در دستگاه قضایی پنسیلوانیا، تنها پرونده‌های قتل را بررسی می‌کرد و در این مدت، 31 حکم اعدام صادر نمود، بیش از هر قاضی دیگری در ایالت پنسیلوانیا. اکثر قربانیان سابو هم شهروندان سیاه‌پوست یا اهل آمریکای لاتین بودند. یکی از واقعیت‌هایی که نژادپرستی این قاضی را نشان می‌داد این بود که وی حق هرگونه نمایندگی قضایی یا حتی حضور ابوجمال در جلسه رسیدگی به اتهاماتش را از او گرفته بود.



عده‌ای فعالان حقوق بشر و مردم خواها آزادی مومیا ابوجمال

صرف‌نظر از این‌که هیأت منصفه دادگاه ابوجمال تقریباً تماماً سفیدپوست بودند، «تری مانور-کارتر» تندنویس دادگاه ابوجمال بعدها شهادتی را امضا کرد که در آن آمده بود قاضی دادگاه درباره متهم گفته است: «آره. [آن‌ها اعدام ابوجمال را می‌خواهند و] من هم کمکشان می‌کنم این «نیگر» (سیاه‌پوست) را [روی صندلی الکتریکی] جزغاله کنند.»

سال 2007 مستندی به نام «تمام زندگی من در زندان» ساخته شد و با ارائه مدارک و مستندات فراوان، اثبات کرد که ابوجمال در قتل فاکنر هیچ‌گونه دخالتی نداشته است. اما هیچ‌کدام از این شواهد و مدارک دلیلی نشد تا ابوجمال از حکم ناعادلانه‌ای که به خاطر یک جرم مرتکب‌نشده برایش صادر شده بود، خلاص شود.

وضعیت ابوجمال در زندان

گزارش‌های زیادی حاکی از آن است که دولت آمریکا تلاش دارد تا با انواع اقدامات، ابوجمال را در زندان از پا در بیاورد. ابوجمال از ژانویه سال 1995 تا همین چند سال پیش، در اتاقی شیشه‌ای زندگی می‌کرد که به گفته خودش، کوچک‌تر از دست‌شویی خانه‌های مردم است. «لارا اسمیت» خبرنگار انگلیسی که سال 2007 با ابوجمال مصاحبه کرد^[22]، این اتاق را این‌گونه توصیف می‌کند: «فضای اتاق آن قدر کوچک است که [ابوجمال] می‌تواند دستانش را دراز کند و دیوارهای دو طرف اتاق را هم‌زمان لمس کند. میان ما، لایه‌ای ضخیم از شیشه تقویت‌شده قرار دارد.» اسمیت از «مردی قدبلند و چهارشانه با موهای بافته و هنوز تیره» می‌گوید که «گوشه‌های ریشش دارد خاکستری می‌شود» اما «چشم‌های زنده‌ای دارد.»

مقامات زندان با دادن غذاهای شیرین یا پر نمک به ابوجمال، موجب شده‌اند وی که تا قبل از زندان، فردی ورزش‌کار و از نظر جسمی کاملاً سالم بود، به انواع مرضی‌ها از جمله دیابت و فشار خون مبتلا شود. 30 مارس سال گذشته میلادی، ابوجمال بر اثر «شوک دیابتی» تا آستانه مرگ رفت، اما پلیس صرفاً او را یک روز در بیمارستان بستری کرد و بعد به‌رغم نیاز وی به مراقبت مداوم، او را دوباره به زندان برگرداندند. گفته می‌شود قند خون ابوجمال به 419 رسیده بوده است^[23]. این میزان قند خون می‌تواند موجب شوک دیابتی، کمای دیابتی و مرگ شود.

ابوجمال در کنار همسرش «وادیا» تنها چند روز پس از پایان 30 سال

زندگی در سلول انفرادی

آمار وزارت دادگستری آمریکا نشان می‌دهد^[24] بین سال‌های 2011 تا 2012، بیش از 40 درصد از زندانیان سیاسی این کشور (که تعدادشان به 80 هزار نفر می‌رسد) دچار سرطان، مشکلات قلبی، فشار خون و دیابت مبتلا شده‌اند. این تاکتیک، به «اعدام به روش بی‌توجهی پزشکی» مشهور شده است^[25].

بهرغم همه این‌ها، ابوجمال حتی در زندان هم دست از مبارزه علیه نژادپرستی برنداشته است. وی نه تنها مقالات متعددی در نشریات معتبر به خصوص در اروپا چاپ می‌کند، بلکه چندین کتاب را از درون زندان منتشر کرده است. وی در مصاحبه‌اش با اسمیت می‌گوید: «من روزهایم را با آماده شدن برای زندگی سپری می‌کنم، نه آماده شدن برای مرگ.» همچنین در جای دیگری می‌گوید: «همین که من می‌نویسم، نشان‌دهنده شکست کامل تاکتیک‌های ارباب آنان است؛ همان‌طور که خواندن [این مطالب توسط] شما [این شکست را تأیید می‌کند].» این صحبت‌های ابوجمال را «ژاک دریدا^[26]» فیلسوف مشهور فرانسوی در یکی از کتاب‌های خود نقل کرده است^[27].

حمایت‌های بین‌المللی از ابوجمال و لغو حکم اعدام

با وخیم‌تر شدن وضعیت جسمی ابوجمال در زندان، افراد و نهادهای فعال در زمینه حقوق بشر و همین‌طور دولت‌های سراسر جهان بارها خواستار آزادی فوری و رسیدگی به وضعیت او شده‌اند. به عنوان مثال، با توجه به وجود شواهد مختلفی که بی‌گناهی ابوجمال را اثبات می‌کند^[28]، دولت فرانسه وی را تبعه افتخاری این کشور اعلام کرده و حتی خیابانی را به نام او نام‌گذاری کرده است که البته این اقدامات پاریس با عکس‌العمل شدید حزب جمهوری‌خواه در آمریکا مواجه شد. اگرچه به نظر می‌رسد از سوی دیگر، اوپاما هم که به جایزه صلح نوبل خود مغرور است، قصد ندارد هیچ واکنشی نسبت به هزاران نامه، فاکس و ایمیلی نشان بدهد که به دفتر کاخ سفید رسیده و مردم در آن خواستار آزادی ابوجمال شده‌اند.

نیروهای چپ‌گرا در آمریکا در کنار سایر فعالان حقوق بشر در اروپا و به خصوص آلمان، از حامیان حقوق بشر و مردم در کشورهای دیگر دنیا خواسته‌اند تا هر کاری که می‌توانند جهت آزادی این خبرنگار سیاه‌پوست و فعال حقوق بشر انجام دهند، از جمله این‌که صدای اعتراض خود را علیه این بی‌عدالتی آشکار، به گوش دولت آمریکا برسانند. همین تلاش‌ها تا کنون چند بار موجب شده بود تا اجرای حکم ابوجمال به تعویق بیفتد و نهایتاً منجر به لغو حکم اعدام وی شد.



سال 2006، خیابانی در «سنت دنیس» شهری هم‌مرز با پاریس

به نام مومیا ابوجمال نام‌گذاری شد

7 دسامبر 2011، یک دادگاه فدرال آمریکا حکم اعدام ابوجمال را لغو کرد^[29]. با این حال، این حکم، به معنای آزادی این فعال حقوق بشری نبود. با وجود آن که دادگاه فدرال اعلام کرد سابو طی دستورالعمل خود خطاب به هیأت منصفه دادگاه، عملاً همه اعضای هیأت را مجبور کرده تا به اعدام ابوجمال رأی بدهند، اما باز هم «ست ویلیامز» دادستان منطقه ای فیلادلفیا، علیه حکم لغو اعدام اعتراض کرد و پرونده را به دادگاه عالی آمریکا ارجاع داد.

دادگاه عالی آمریکا حکم لغو مجازات اعدام ابوجمال را تأیید کرد، اما به دادستان 180 روز وقت داد تا با تقاضای تجدیدنظر درباره حکم اعدام را دهد و یا بپذیرد که ابوجمال تا پایان عمر، در زندان باقی بماند. ویلیامز نیز اعلام کرد که خانواده فاکنر تصمیم گرفته اند تا میان بد و بدتر، یعنی حبس دائم ابوجمال یا درخواست تجدیدنظر (و احتمال آزادی وی)، اولی را انتخاب کنند. نهایتاً ابوجمال به حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط محکوم شد و اکنون همین محکومیت را سپری می کند.

البته این به معنای پایان کار حامیان حقوق بشر نیست، بلکه فصل جدیدی را در پی گیری برای آزادی ابوجمال آغاز کرده است. بی عدالتی علیه این حامی حقوق سیاهپوستان همچنان ادامه دارد و اگرچه وی پس از سال ها از ابتدایی ترین حقوق خود از جمله هواخوری و ملاقات حضوری با خانواده اش برخوردار شده، اما هنوز هم عدالت در حق او پیاده نشده است.

حقوقی که ابوجمال برای تحقق آن ها مبارزه می کرد، هنوز هم در شهر فیلادلفیا و ایالت پنسیلوانیا و تقریباً در هر نقطه دیگری در آمریکا زیر پا گذاشته می شود. در حال حاضر حدود 150 نفر در ایالت پنسیلوانیا در صف اعدام قرار دارند. از این 150 نفر، 60 درصد سیاهپوست هستند، در حالی که نسبت جمعیت سیاهپوستان این ایالت به کل جمعیت، تنها 6 تا 9 درصد است. این محکومین، 22 تا 23 ساعت از روز را در یک سلول کوچک می گذرانند، آن هم در شرایطی بی رحمانه و غیر انسانی.

[1] Question for Mumia: Tell Me About Your Name [Link](#)

[2] Joining the Party [Link](#)

[3] Black Panther Party [Link](#)

[4] October 15, 1966: The Black Panther Party Is Founded [Link](#)

[5] Racial Matters: The FBI's Secret File on Black America, 1960-1972 [Link](#)

[6] The COINTELPRO Papers: Documents from the FBI's Secret Wars Against Dissent in the United States [Link](#)

[7] COINTELPRO [Link](#)

[8] COINTELPRO [Link](#)

[9] COINTELPRO Revisited - Spying & Disruption [Link](#)

[10] The Assassination of Fred Hampton: How the FBI and the Chicago Police Murdered a Black Panther [Link](#)

[11] Full text of "Final report of the Select Committee to Study Governmental Operations with Respect to Intelligence Activities" [Link](#)

[12] New Evidence of Mumia Abu-Jamal Frame-Up [Link](#)

[13] A Life in the Balance: The Case of Mumia Abu-Jamal [Link](#)

[14] The Framing of Mumia Abu-Jamal [Link](#)

[15] Declaration of Mumia Abu-Jamal [Link](#)

[16] A New Look at the Framing of Mumia Abu-Jamal [Link](#)

[17] National Writers Union Calls for Mumia's Release [Link](#)

[18] Ten Reasons Why You Should Support Mumia Abu-Jamal [Link](#)

[19] Declaration of Yvette Williams [Link](#)

[\[20\] Frailty of the Ballistics Evidence in the Case Against Mumia Abu-Jamal Link](#)

[\[21\] Albert F. Sabo Link](#)

[\[22\] 'I spend my days preparing for life, not for death' Link](#)

[\[23\] Mumia Abu-Jamal files suit over prison's refusal to provide medical care Link](#)

[\[24\] Mumia Abu-Jamal: International pressure blocks 'execution by neglect' Link](#)

[\[25\] Pennsylvania Seeks Mumia Abu-Jamal's Execution via Medical Neglect Link](#)

[\[26\] Jacques Derrida Link](#)

[\[27\] Negotiations: Interventions and Interviews, 1971-2001 Link](#)

[\[28\] Fact Sheet on Mumia Abu-Jamal Link](#)

[\[29\] Execution Case Dropped Against Abu-Jamal Link](#)